

نهضت نرم

افزایی در علم

در بیانات رهبری

– * جلد دوم کتاب نکته های ناب بخش اول

– * نگرش اسلام و غرب به تولید علم

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها 1383/09/26

تولید علم – یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن – با تحصیل

علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی

نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده ی

ذهن دانشمندان در زمینه ی علوم مختلف – چه علوم انسانی، چه علوم

تجربی – بیاید و خوب دانسته شود و همین ها محور تشخیص و معرفت

نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می بینیم که در زمینه های

مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای

غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ **بخصوص در زمینه ی**

علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می



تولید علم – یعنی
شکستن مرزهای
علم و پیشرفت
کردن – با
تحصیل علم و
تبحر در علم
تفاوت دارد؛

دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده ها و گره ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زبندگان فکری باقی بماند و برایش راه علاجهای ضددینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسأله است؛ لیکن مسأله ی ما این نیست. در جهان بینی ما، علم از دل دین می جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می شناسیم، جهان بینی دینی یی که ما از قرآن می گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق کننده ی علم است. نمونه اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه ی اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی سابقه بود - در همه ی زمینه ها - و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی یی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه ها باید کار کنیم. در زمینه ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افقهای

بخصوص در علوم انسانی زیر بنا تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین است.

در جهان بینی ما، علم از دل دین می جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می شناسیم، جهان بینی دینی یی که ما از قرآن می گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛

جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده ایم؛ بوضوح می شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیردینی و ضددینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لاقلاً پیشرفت می کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب مانده و عقب نگه داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوشش علمی در این کشور کند بود؛ در بعضی از بخشها تعطیل بود. موانعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده یی بود. باور را از ملت ما گرفتند.

ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن

چنان دلبسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این

شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می توان برخلاف آن حرفها یا غیر از

آن حرفها و آن نظریه ها، نظریه یی ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی

گرفتار آن حرفها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما

جرأت بخشید. آنچه امروز مشاهده می کنیم، نتیجه ی همین جرأت

است؛ باید این جرأت را تقویت کرد و پیش رفت. استعدادهای ما خوب

است. جوانهای ما خوبند. اگر همین کارهایی که آقایان اشاره کردند -

شناسایی و جذب استعدادها در زمان خود، هدایت صحیح اینها، به کار

گرفتن اینها، سازماندهی معنوی صحیح در زمینه ی نخبگان - صورت

بگیرد، که هم انجام شدنی است و هم ان شاءالله اراده اش وجود دارد؛ و

اگر همین بنیاد نخبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست

جمهوری تشکیل شود - که شنیدم مقدماتش را دارند فراهم می کنند و

اساسنامه یی هم نوشته اند - ان شاءالله به این سمت پیش خواهیم

رفت.

ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن چنان دلبسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این شجاعت را پیدا نکند.

اگر همین بنیاد نخبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود، ان شاءالله به هدف مورد نظر انقلاب می رسیم.

♦ - بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01
یکی از موضوعهایی که نمیگذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و
بشدت مانع آن میشوند، مسأله‌ی علم است؛ چون میدانند علم ابزار
قدرت است. خود غربیها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده‌های
تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای
مدتی هم آنها در جهالت بودند. در همان دوره‌ی قرون وسطا، که
خودشان توصیف میکنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده
است؛ اما بمجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار
برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه‌ی سیاسی و جذب ثروت
ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید
علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها
میدانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور،
تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گر و
سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن
بخشی که آنها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک
استراتژی است که بروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین
منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.

خواست دشمن :
نمیگذارند در
کشورهای زیر
سلطه، علم رشد
کند. چون میدانند
علم ابزار قدرت
است. آنها میدانند
که علم چقدر در
قدرت بخشیدن به
یک ملت و به یک
کشور، تأثیر دارد،
لذا باید برای کسب
علم و تحقیق
جهاد کرد؛ باید کار
کرد.

• جنبش نرم افزاری

• بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01
چند سالی است که مسأله نهضت نرم‌افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده‌ام. این، یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آن جایی که نوآوریهای علمی در فضای موجود بشری، از آنجا شروع میشود. ما از لحاظ استعداد، نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند و بر اساس دانش، فن‌آوریهای پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنای این نیست که ما ترجمه و فراگیری را نفی کنیم؛ نه، آن هم لازم است، بلکه من میگویم در ترجمه و فراگیری نباید توقف کرد.

معنای جنبش نرم
افزاری :
یعنی ما نباید به
فراگیری قانع
باشیم؛ باید هدف
تحقیق و آموزش
ما تولید علم باشد؛

• امروز تقویت بنیه ی علمی کشور یک فریضه است .

• بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی
امیرکبیر 1379/12/09
امروز در کشور، یکی از فرایض حتمی برای این نسل - که در درجه
اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهیهاست - عبارت از تقویت بنیه
علمی کشور است. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی
مدیریت و مسائل اجتماعیمان عقب خواهد ماند. امروز کسانی که بر دنیا
خدایی میکنند؛ آن دستهای مرموزی که اختیار منابع عظیم انسانی و
مادی دنیا را در دست گرفته‌اند و همه اقیانوسها و همه تنگه‌های
حساس دریایی زیر چشمشان است و هر جا میخواهند دخالت میکنند، با
ابراز علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند! لذا برای
مقابله با کار آنها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید،

ما اگر علم نداشته
باشیم، اقتصادمان،
صنعتمان، حتی
مدیریت و مسائل
اجتماعیمان عقب
خواهد ماند. اگر
بخواهید از لحاظ
علمی پیش بروید،
باید جرأت نوآوری
داشته باشید.

باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمیگری تعریفهای علمی القاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.

• امروز کسانی که می توانند دانش را در این کشور رشد دهند ، باید احساس وظیفه ی مضاعف بکنند.

ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعیمان عقب خواهد ماند. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید.

• بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب 1368/09/29
امروز، یکی از حساسیتهای استعمار و استکبار و امریکا و صهیونیستیهای طراح فساد در عالم عبارت است از این که نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی، از لحاظ علمی پیشرفت کنند. این حساسیت، نسبت به کشور ما مضاعف است؛ چون حساسیتی که آنها نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی دارند، نسبت به هیچ انقلاب دیگری نداشته و ندارند و نخواهند داشت. البته اگر در آینده، انقلاب غیر اسلامی تحقق پیدا کند، این حساسیت را نخواهند داشت. امروز، کسانی که میتوانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه ی مضاعف کنند؛ چون دشمن نمیخواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استعدادهای خوب و برجسته، دانش آموزان تیزهوش و کسانی که میتوانند برای آینده ی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسؤولیت کنند.

• باید تولید علم در دانشگاهها و مراکز علمی کشور به صورت امری مقدس و عبادت تلقی شود

♦ - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

تولید علم یعنی رفتن از راههایی که به نظر، راههای نارفته‌ای است. البته این به آن معنا نیست که ما راههایی را که دیگران رفته‌اند، نرویم و به تجربه‌های دیگران بیاعتنایی کنیم؛ بلکه به این معناست که به فکر باشیم. در این دنیای عظیم و در این طبیعت بزرگ، ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد که دانش پیشرفته امروز هنوز به آنها دست نیافته است. ناشناخته‌ها بسیار فراوان است و به گمان زیاد به مراتب بیشتر از چیزهایی است که بشر تاکنون به آنها دست یافته است. باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم میدانم مغز و فکر ایرانی آن را دارد، به کار بیندازیم. راههای میانبر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. همه رشته‌های علوم باید به این صورت درآید. ما باید این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم میتوانیم نوآوری کنیم.

تذکر : تولید علم
به آن معنا نیست که
ما راههایی را که
دیگران رفته‌اند، نرویم
و به تجربه‌های
دیگران بی اعتنایی
کنیم؛

ما باید این جرأت را
داشته باشیم که فکر
کنیم میتوانیم نوآوری
کنیم.

♦ - دانشگاه ها باید به صورت عملی به علم اهمیت بدهند

♦ - بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها 1383/10/17

دانشگاه‌ها باید به علم اهمیت بدهند. اهمیت دادن، فقط یک امر

قلبی نیست؛ عمل لازم دارد. این عمل، مقدمات و برنامه‌ریزی و

اهتمام شدید لازم دارد. مایه گذاشتن از وقت و امکانات دانشگاه برای

هر کار غیرعلمی، به‌طور طبیعی از این اهتمام علمی خواهد کاست.

حالا یکوقت آن کار، لازم و در حد ضرورت است، مانعی ندارد؛ اما

افراط در آن کارها، به گرایش علمی و حرکت علمی و سازندگی و به

دنبالش بالندگی علمی که ما به آن نیاز داریم، لطمه خواهد زد.

اهمیت دادن، فقط

یک امر قلبی نیست؛

عمل لازم دارد. این

عمل، مقدمات و

برنامه‌ریزی و اهتمام

شدید لازم دارد.

♦ - نواندیشی و نوآوری در تمام رشته‌ها، یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها است

♦ - بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر

1379/12/09

یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسأله

تجّر، فقط بلای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همه‌ی

محیط‌ها، تجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزمیگراییهایی که بر

انسان تحمیل شده - بدون این که منطق درستی به دنبالش باشد -

یک بلاست. آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه

آرمانی محسوب میشود، این است که در زمینه مسائل علمی،

نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط

انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را

من از این جهت میگویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی،

فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کلّ محیط

علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف

اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر میشود -

تولید علم، فقط انتقال

علم نیست؛ نوآوری

علمی در درجه اول

اهمیت است. این را

من از این جهت

میگویم که باید یک

فرهنگ بشود.

♦ - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است.

البته وقتی از علم صحبت میشود، ممکن است در درجه اول، علوم مربوط به مسائل صنعتی و فنی به نظر بیاید - که در این دانشگاه هم بیشتر مورد توجه است - اما من به طور کلی و مطلق این را عرض نمیکنم. علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نو آوری و نو اندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد. آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده میشود - که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب میگردد - این است که دهها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار میکنیم، میخوانیم، حفظ میکنیم و بر اساس آنها تعلیم و تعلم میکنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمیابیم! باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فرا گرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روحهای قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلابهای علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است

دو چیز لازم : یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی ، ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما کاروان علم را جلو نمی‌برد بنابراین جرأت علمی لازم است.

♦ - دانشگاه باید بتواند یک جنبش علمی همه جانبه در اختیار کشور قرار دهد

♦ - بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی

امیرکبیر 1379/12/09

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمیشود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاههای تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند؛ روی آنها سؤال بگذارند؛ این جزمیتها را بشکنند و راههای تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را میخواهد.

تذکر : این گونه نباشد که فکر کنید ، بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمیشود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد.

♦ - نسل دانش پژوه کشور بدانند اگر امروز برتری علمی با غربی ها است با همت و اراده می شود کاری کرد که فردا از آن ما باشد

♦ - بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان

همدان 1383/04/17

ما دویست سال از علم دنیا عقب مانده‌ایم؛ اما معنای رسیدن به مرزهای دانش این نیست که راهی را که اروپاییها در طول دویست سال رفته‌اند، ما هم همان راه را در طول دویست سال برویم؛ بعد به آن جایی که امروز رسیده‌اند، برسیم؛ نه، این حرفها نیست؛ ما راههای میانبر پیدا میکنیم. ما علم را از دست اروپاییها می‌چاپیم. ما از یاد گرفتن ننگمان

ما راههای میانبر پیدا میکنیم. ما علم را از دست اروپاییها می‌چاپیم. ما از یاد گرفتن ننگمان نمیکند. اسلام به ما توصیه کرده است به یادگیری مفید از هر کسی.

است؛ یکی از آنها کسانی هستند که وقتی نمیدانند، در صدد یاد گرفتن باشند؛ از یادگرفتن ننگشان نکنند. ما دانشهایی را که امروز فرآورده‌ی ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد میگیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل میآموزیم و به استادمان هم احترام میکنیم. به کسی که به ما علم بیاموزد، بیاحترامی نمیکنیم؛ اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه، امروز شاگردیم، فردا میشویم استاد آنها؛ کما این که آنها یک روز شاگرد ما بودند، اما الان شده‌اند استاد ما. غربیها علم را از ما یاد گرفتند. شما به کتاب پیروسو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید؛ آنجا میگوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه میکند و میگوید میخواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب میگوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، میتوانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ اما اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان‌نشین بفرستی. این را پیروسو مینویسد؛ این حرف من نیست. جنگهای صلیبی به آنها کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان آنها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آنها و منتقل شدن کتابهای ما به آنها، کمک کرد تا از ما بیاموزند. یک روز آنها از ما یاد گرفتند و شاگرد ما بودند، بعد شدند استاد ما؛ الان هم ما از آنها یاد میگیریم و شاگرد آنها میشویم و بعد میشویم استاد آنها. پس نسل دانش‌پژوه و محقق و پژوهنده‌ی کشور ما بداند؛ امروز اگر برتری علمی با غربیهاست، در آینده‌ی نه چندان دوری با همت و اراده‌ی شما میتوان کاری کرد که فردا آنها از شما یاد بگیرند.

تذکر : اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه، امروز شاگردیم، فردا میشویم استاد آنها؛ کما اینکه روزی آنها شاگرد ما بودند. این را پیروسو مینویسد؛ این حرف من نیست.

♦ - بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها 1383/10/17

جنبش نرم‌افزاری، یعنی در زمینه‌ی علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به‌وجود بیاید. از این پیشنهاد استقبال شد و من امروز میبینم که در سخنان اساتید و مسؤولان دانشگاه‌ها روی این نکته تکیه میشود. البته تا مدتی بعضیها میگفتند ما نمیدانیم اصلاً معنای این حرف چیست! عده‌ی هم شبیه میکردند که علم مگر تولیدکردنی است! البته بحث لغوی میکردند و میگفتند چرا گفته‌اید تولید علم! شما هرچه میخواهید اسمش را بگذارید؛ مقصود که معلوم است. جنبش نرم‌افزاری، یعنی در معرفت

علمی ننشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و

میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در

دست شما بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، برو روی بنایی که

دیگران ساخته‌اند، بنا بساز؛ این هدف ما بود. عده‌ی میگفتند ما

نمیفهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ی سخنان

یأس‌آفرین میزنند: مگر ما میتوانیم؟ بله، میتوانیم. ما در میدانهای

گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا میتوانیم کارهایی بکنیم

که هنوز در دنیا نو باشد؛ این در همه‌ی زمینه‌ها کاملاً امکان‌پذیر است

الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ی سخنان یأس‌آفرین میزنند: مگر ما میتوانیم؟ بله، میتوانیم. ما در میدانهای گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا میتوانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشد؛ این در همه‌ی زمینه‌ها کاملاً امکان‌پذیر است.

♦ - وقتی علم بومی نشود و کشور دچار عقب افتادگی علمی شود پیروی از

فرهنگ بیگانه و سیاسی‌های آنها نیز حتمی است

♦ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان 1383/08/10

وقتی در جامعه‌ی علم محترم شمرده میشود که استعداد و سرچشمه‌ی درونی عناصر انسانی کشور جوشان شود و علم بومی گردد. سرمایه‌گذاری برای علم، باید با این هدف باشد؛ و آلا این که دیگران فرآورده‌های علمی داشته باشند و فرمولها و کلماتی را به ما بیاموزند و ما بدون این که هیچ عمقی از آن به دست بیاوریم، آن کلمات را یاد بگیریم، به پیشرفت هیچ کشوری کمک نمیکند؛ نه ما و نه هیچ کشور دیگری. در گذشته سرچشمه‌ی علم در این کشور خشک شده بود. از طرق مختلف این کار صورت میگرفت: یکی این بود که درمقابل هیمنه‌ی پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما

غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمیتواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد. امروز این حرف به گوش شما بیگانه و ناآشناست؛ اما بدانید که در یک دوره‌ی طولانی، این فکر در کشور تولید و ترویج شد؛ گفتند ایرانی به درد ادبیات میخورد - ادبیات بزم و گل و بلبل و این‌طور چیزها - آن هم ادبیات به معنای شعر؛ و آلا تحقیقات ادبی را هم باز باید اروپاییها و مستشرقین اروپایی می‌آمدند میکردند. ایرانی به درد کارهای جدی و اساسی نمیخورد.

نتیجه‌ی فقر علمی، فقر صنعتی شد. نتیجه‌ی فقر صنعتی، خرج کردن همه‌ی سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی وارد کردن، صنعت مونتاژ، دایم دنبال دیگران دویدن، نفت و همه‌ی سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردن. نتیجه‌ی دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند. وقتی مردمی

درمقابل هیمنه‌ی پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمیتواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد.

نتیجه‌ی فقر علمی، فقر صنعتی و بعد خرج کردن همه‌ی سرمایه‌های داخلی بعد استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - متوقف می شود دنبال‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاست‌های بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید.

دانشمند نبودند، اهل صنعت نبودند و فناوری و علم نداشتند، از بسیاری از ثروتهای موجود طبیعی خودشان هم غافل میمانند. سالهای متمادی میگذشت؛ نفت در این کشور بود، اما کسی نبود که بداند این نفت چیست و به چه درد میخورد! دیگرانی که پیشرفت کرده بودند، این ماده را میشناختند و کاربرد آن را میدانستند؛ لذا آنها آمدند آن را کشف و استخراج کردند؛ صاحب آن شدند و به سود خودشان تصرف کردند؛ هم در کشور ما و هم در اغلب کشورهای نفت خیز دنیا. همه‌ی اینها دنباله‌ی عقب‌ماندگی علمی است. وقتی علم نباشد، صنعت نیست. وقتی صنعت نباشد، بسیاری از ثروتهای جامعه کشف نمیشود. وقتی صنعت نباشد، همه‌ی موجودی برای به‌دست آوردن صنعت روز خرج میشود؛ دنباله‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاست‌های بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید. همه‌ی اینها ناشی از بی علمی است. بنابراین علم باید در کشور ترویج شود. یکی از کارهای مهم انقلاب همین بود؛ علم را در داخل کشور ترویج کرد.

• - ملتی که بتواند در زمینه‌ی علم نوآفرینی کند در دنیا احساس عزت و اعتماد به نفس و غرور می‌کند

♦ - بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها 1383/10/17

علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را میکند. شما ببینید یک انسان عالم که برای خودش جایگاهی در معرفت علمی قائل است، در مقابل هر قدرت پولی و سیاسی ای قرار بگیرد، در ظاهر ممکن است الزاماتی او را مجبور به کرنش‌ها و کوتاه آمدن‌هایی بکند؛ اما در دل خود برای خودش عزت قائل است. موجودی خودش را با تهیدستی طرف مقابلش مقایسه میکند، لذا احساس عزت و احساس اعتماد به نفس و احساس غرور میکند. یک ملت هم عیناً همین‌طور است. ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند، به‌طور طبیعی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ میکند، خطرپذیریها میکند، در میدانهای دشوار قدم میگذارد و کوه‌ها را از جا میکند. کلید این کارها علم است. ما باید علم را در کشور احیا کنیم؛ این، نقطه‌ی اصلی مسأله است.

علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله‌ی بسیار مهمی است، در همه‌ی رشته‌های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت نفس، احساس مولد علم بودن و فتوحات علمی ایجاد کردن را در خود به‌عنوان یک ملت و یک جامعه‌ی علمی به‌وجود بیاوریم. این کار کیست؟ یکی از مهمترین ارکانش دانشگاه‌هاست

علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را میکند.

علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله‌ی بسیار مهمی است، در همه‌ی رشته‌های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت نفس، احساس مولد علم بودن و فتوحات علمی ایجاد کردن

♦ - نگاه مبتکرانه و سازنده به علم داشته باشید .

♦ - بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها 1381/08/22

باید اهل علم در محیط دانشگاه به تولید علم، به نگاه مبتکرانه و سازنده در زمینه علم -به همان چیزی که بنده از آن به نهضت نرم‌افزاری در محیط علمی تعبیر کردم -بپردازند؛ ما نیاز به این موضوع داریم. البته دستگاه‌های دولتی بزرگترین مسؤولیت را دارند

.....

♦ - در تمام زمینه ها و به خصوص در زمینه ی علوم انسانی نیاز به تولید علم

داریم

♦ - بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها 1382/08/08

مسأله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه علوم و از جمله علوم انسانی است. ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار میرفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمولهای تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمیدهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت میکنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم؛ در حالیکه این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی هم که بر اساس آن میتوان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی هم که بر اساس آن میتوان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.

- ننگ است که ما از تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکنیم

- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین 1382/09/26

. یکی از شعارهایی که بنده در این چند سال تکرار میکنم این است که نباید به‌طور دائم در عرصه‌ی تجربه و ترجمه - علم ترجمه‌ای، حتی فکر ترجمه‌ای، ایده و مکتب و ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست ترجمه‌ای - بمانیم؛ زیرا این ننگ است برای انسان که از خرد، سنجش،

تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکند و چشم را روی هم بگذارد و مرعوب موج تبلیغاتی شود که بر او تحمیل میکنند، تا سخنی را بپذیرد.

♦ - وجود استعداد ها ، اندیشمندان و استادان در داخل کشور وسیله ی ترمیم کمبود های علمی کشور است

♦ - بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها 1381/08/22

: ما از لحاظ علمی از دنیا عقبیم؛ آیا راهی برای این که این فاصله را بپیماییم، وجود ندارد؟

آنچه ما را تشجیع میکند که این فکر را دنبال کنیم، وجود استعدادها در داخل کشور است. اما دوستان! استعداد به تنهایی کافی نیست. تأکید بنده این است: استعداد شرط لازم است، نه شرط کافی. در کنار استعداد، تلاش و مجاهدت عالمان، اندیشمندان و استادان هم لازم است.

آنچه ما را تشجیع میکند وجود استعدادها در داخل کشور است. نه شرط کافی. در کنار استعداد، تلاش و مجاهدت عالمان،

♦ - هیچ وقت به قدر امروز در این کشور برای انسان فرزانه ی مستعد امکان رشد وجود نداشته است

♦ - بیانات در دیدار جمعی از طلاب و دانشجویان 1369/09/28

در تاریخ کشور ما - اقلأ در این هفت، هشت، ده قرن - برای جوان هوشمند و فرزانه، هیچ فرصتی مثل امروز وجود نداشته است. اگر از حدود دوره ی حمله ی مغول به این طرف، مروری در تاریخ بکنید (که البته باید تاریخ را یاد بگیرید؛ چون چیز مهمی است. اگر بخواهید وضع و موقع امروز را درست تشخیص بدهید و بفهمید که در کجا قرار گرفته اید، باید تاریخ را بدانید. تسلط به تاریخ، چیز خیلی مفیدی است)، خواهید فهمید که در

در تاریخ کشور ما - اقلأ در این هفت، هشت، ده قرن - برای جوان هوشمند و فرزانه، هیچ فرصتی مثل امروز وجود نداشته است.

تمام این دوران هفتصد، هشتصد سال - از قبل از حمله‌ی مغول تا حالا - هیچ‌وقت نبوده که به قدر امروز در این کشور، برای انسان فرزانه‌ی مستعد، امکان رشد وجود داشته باشد.

- شوق فراگیری علم از دشمن ، غیر از وابستگی است

♦ - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1370/09/20

وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم - که هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت - اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن میرویم، زانو میزنیم و از او علم را فرا میگیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. این یک بحث است؛ تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم - یعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر - یک بحث دیگر است. آنچه که برای ما درست کردند، این دومی است. آنچه که برای - به اصطلاح رایج - جهان سوم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دومی است. اتفاقاً کاری کردند که اولی انجام نگیرد.

این معضل بزرگ فرار مغزها که الان دهها سال است در جهان عقب‌افتاده‌ی کنونی مطرح است، بخشی از همین قضیه است. اینها زنده‌ها و خوبها را می‌ربایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند حتی آنهایی که یاد می‌گیرند و استعداد دارند، برای وطن مادریشان به کار بیفتند. بنابراین، این مسأله‌ی دوم، اگر نگوییم که بیشتر از مسأله‌ی اول در دانشگاهها اهمیت دارد، حداقل به قدر مسأله‌ی اول اهمیت دارد

ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. البته نه تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم یعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر

این معضل بزرگ فرار مغزها این است که دشمن زنده‌ها و خوبها را می‌ربایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند حتی آنهایی که یاد می‌گیرند و استعداد دارند، برای وطن مادریشان به کار بیفتند.

• گرفتار شدن به تفکر و ذائقه ی ترجمه ای از مصادیق تهاجم فرهنگی و

مصیبتی بزرگ است

• بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1379/12/09

تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسأله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار میشود. فکر هم که میکند، ترجمه‌ای فکر میکند و فرآورده‌های فکری دیگران را میگیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم میدانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق میکنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان میگذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است.

خطرناک ترین تهاجم فرهنگی : این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار میشود. فکر هم که میکند، ترجمه‌ای فکر میکند و فرآورده‌های فکری دیگران را میگیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم میدانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق میکنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان میگذارند.

♦ - برتری علمی غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید

♦ - بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی 1381/07/03

گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگِ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربیها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان هم خوب است؛ نه، اینها با هم ملازمه‌ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ به این علم ضرر هم میزند. علم، مؤلدها و عناصر به وجودآورنده خاص خود را دارد؛ باید آنها را پیدا کرد. فرهنگ ببندوباری، بیدینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادّیگری و ارزشهای مادّی، فرهنگهای غلطی است که امروز غرب دچار اینهاست. اگر آن مردم، پارسا و صالح و نیکوکار و کم‌اعتنا به زخارف دنیا بودند، این دانش برای دنیا مفید میشد؛ همچنان که در دوره شکوفایی اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، برجستگان علمیی به وجود آمدند و دانش را به اوج قلّه آن روز رساندند و به‌هیچ‌وجه فرهنگی که امروز در غرب رایج است - فرهنگ ببندوباری و بیدینی و امثال اینها - بر آنها حاکم نبود؛ مثل ابن‌سیناها، محمدبن‌زکریای رازیها، خوارزمیها و

گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگِ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربیها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان هم خوب است؛ نه، فرهنگ ببندوباری، بیدینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادّیگری و ارزشهای مادّی، فرهنگهای غلطی است که امروز غرب دچار اینهاست.

دیگران. اینها در فرهنگی مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه‌گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیشروی و برتری علمی غرب را به‌هیچ‌وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.

♦ - **تهاجم فرهنگی حقیقی این است که در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی**

تزریق کردند که تو نمی توانی .

♦ - بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان
همدان 1383/04/17

من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌یی خیال میکنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا این جا بلند کند. خیال میکنند بنده با موی بلند تا این جا مخالفم. مسأله‌ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته ببندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمیتوانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمیگذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه‌ی علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده‌ی دنیا باشد، عده‌یی میایستند و میگویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه‌ی فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه‌ی فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ میشود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست میگیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی

البته ببندوباری و فساد یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛

الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه‌ی علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده‌ی دنیا باشد، عده‌یی میایستند و میگویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه‌ی فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه‌ی فلانی است. اما جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ میشود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست میگیرند!

دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ی هنوز وقتی میخواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریاتِ کهنه‌ی قدیمی نگاه میکنند! اینها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بیخبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه‌ی خود نگه داشته‌اند و امروز به جوانهای ما میدهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه میکنند

• مسأله‌ی تحقیق و تولید علم مدیریت سازمان یافته لازم دارد

• بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01

ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره‌ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به‌طور طبیعی در بین ملت‌ها به وجود آمد، دوره‌ی فریب بود. نمیگذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم میکردند و راه تحقیق را باز نمیکردند؛ استعدادها را پرورش نمیدادند و تشویق نمیکردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیتها را برداشت و خودآگاهی علمی به‌وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواهد رسید. همه‌ی کارها، از جمله مسأله‌ی تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش برد.

• تولید علم مسأله‌ی فردی نیست یک مطالبه‌ی عمومی است

• بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

؛ ما از تک تک دانشجویان توقع نداریم تولید علم کنند. اصلاً این مسأله به این صورت، فردی نیست و شاید هم همه توانایی تولید علم را ندارند؛ باید این به عنوان یک مطالبه عمومی درآید و سنت کار در دانشگاه شود تا فقط به فکر یادگرفتن آنچه دیگران به دست آورده‌اند، نباشیم؛ بلکه افزودن بر ذخیره به دست آمده به وسیله دیگران را هم وجهه همّت خود قرار

دهیم

• حرکت به سمت بومی کردن انرژی هسته ای در کشور، واجب و وظیفه

ی ملی است

• بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد

دانشگاهی 1383/04/01

یاوه‌گوها و یاوه‌بافها بیخود سعی نکنند این‌طور بپراکنند که چه لزومی دارد این کار و چرا دنبالش میکنند؛ نه، این نیاز ملت ایران است. امروز کشورهای پیشرفته‌ی دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاههای هسته‌یی تولید میکنند، نه از نفت که هم سرمایه‌ی دودزاست، و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت.

• آنها که میخواهند ملتهای دارای نفت را از این موهبت محروم کنند، میگویند شما که نفت دارید، دیگر به انرژی هسته‌یی چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم! سرنوشت ملتها نیاز به

- امروز کشورهای پیشرفته‌ی دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاههای هسته‌یی تولید میکنند، نه از نفت که هم سرمایه‌ی دودزاست، و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت.

شماست؟ آنها میگویند نفت را مصرف کنید، بعد دستتان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیاید در خانه‌ی ما. ملت ما نمیخواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته‌یی برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ماست؛ باید به این راه برویم، و آلا عقب‌ماندگیهای یکی دو قرن گذشته باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب میاندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار وظیفه‌ی ملی است. وقتی که دنبال این کار میرویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی میخواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد. آنهایی که نفهمیده علیه این فکر حرف میزنند، نمیفهمند و ملتفت نیستند که دارند به این ملت خیانت میکنند و همان چیزی را که امریکا میخواهد، بیان میکنند و بر زبان می‌آورند: چه لزومی دارد؟ چه احتیاجی داریم؟ ولش کنیم! بله، معلوم است که آنها دلشان میخواهد ما هیچ چیز تولید نکنیم و غذای

حاضرمان را هم از آنها بگیریم؛ به شرطی که پول داشته باشیم. وقتی هم نداشتیم، اگر ملت از گرسنگی بمیرند، آنها که ابایی ندارند؛ چون هزارهزار می‌گشند و از مردن هزارهزار و میلیون میلیون هم هیچ باکی ندارند. وظیفه‌ی ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوریهای مشابه، هر چه که ما را به اوج قله‌ی علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که میتوانند، وظیفه‌ی آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند.

♦ - جنجال آمریکایی‌ها در جریان انرژی هسته‌ای به دو علت است

♦ - بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد

دانشگاهی 1383/04/01

آنچه امروز جنجال امریکاییها علیه ایران را به وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده، این است که اینها دارند میبینند که ایران نیروگاه هسته‌یی را به وجود آورده و میتواند برق هسته‌یی تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید میکند. این، اولین نقطه‌ی نگرانی اینهاست. من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آنها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما میفروختند. این طور نبود که یک بشکه‌ی نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سیوپنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم میفروشیم، بفروشدند. ولی میبینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه‌ی تجدیدنشده‌ی خودشان را تبدیل میکنند به یک پول ناقابل. اینها میخواهند همین معادله را در مسأله‌ی سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آنها باشیم.

نقطه‌ی دوم نگرانی آنها این است که از این ناراحتند که این

علت اول : وقتی ما نفتمان

تمام شد ، در تامین

سوخت و برق محتاج آنها

شویم و به آنها وابسته

باشیم و از این طریق به ما

فشار بیاورند.

علت دوم : از این ناراحتند

که این دانش در داخل

رشد کرده و روئیده است؛

یعنی در واقع بومی است.

البته این به معنای آن

نیست که ما این دستگاه

را اختراع کردیم؛ نه، بلکه

به این معناست که ما

برای فراگیری این کار در

خانه‌ی آنها نرفتیم.

دانش در داخل رشد کرده و روئیده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه‌ی آنها رفتیم. محققان جوان خودمان - همین جوانهایی مثل شما - و صدها مغز متفکر و خوشفکر توانسته‌اند این دستگاه عظیم را راه‌اندازی کنند و به نتیجه برسانند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به‌وجود بیاورند و در خانه‌ی این و آن نروند؛ این یکی از نگرانیهای آنهاست؛ چرا، چون میبینید این درست بر خلاف آن فلسفه‌ی استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آنها باشند. آنها میدانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله‌ی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛

ایران توانست بر قله‌ی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛

آن چیزی است که آنها میگویند.

علت دوم : از این ناراحتند زیرا چون میبینید این درست بر خلاف آن فلسفه‌ی استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آنها باشند. آنها میدانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله‌ی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛

♦ - ما دنبال فناوری هسته‌ای هستیم نه تولید بمب هسته‌ای

♦ - بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01

بین فناوری هسته‌یی و سلاح هسته‌یی، خلط مبحث میشود و حقیقت قضیه غیر از اینهاست،

در حالی که این دو ربطی به همدیگر ندارند و دو چیز هستند. سلاح هسته‌یی بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه‌اش را داشته باشد. ما انگیزه‌اش را نداریم، دنبالش هم نرفته‌ایم و نمی‌خواهیم برویم؛ ما احتیاجی به بمب هسته‌یی نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده‌ایم، با بمب هسته‌یی غلبه نکردیم. ملت ایران بیست‌وپنج سال است امریکا را شکست داده؛ مگر غیر از این است؟ امریکا که بیست‌وپنج سال از ملت ایران شکست خورده، با چه شکست خورده؟ ما با بمب هسته‌یی امریکا را شکست دادیم، یا با عزم، اراده، ایمان، آگاهی و با اتحاد خودمان؟ ما فهمیده‌ایم چه می‌خواهیم؛ فهمیده‌ایم دنبال چه چیزی هستیم؛ راه را هم شناختیم و حرکت هم کردیم و از توپ و تشر این و آن هم نترسیدیم؛ ما این طوری غلبه پیدا کردیم؛ ما با بمب هسته‌یی که غلبه پیدا نکردیم. شوروی سابق مگر بمب هسته‌یی نداشت؟ تعداد بمبهای هسته‌یی شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمبهای هسته‌یی امریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد!؟ پیروزی و شکست در صحنه‌های اساسی دنیا با این چیزها نیست. ما امروز یک الگو را به دنیای اسلام ارائه کردیم؛ الگوی مردم‌سالاری دینی، الگوی استقلال و عزت ملی. امروز دنیای اسلام علیه امریکا در طول بیست‌وپنج سال بسیج شده‌اند و ملتها مرگ بر امریکا می‌گویند. مرگ بر امریکا را چه کسی میگفت؟ غیر از جمهوری اسلامی و غیر از ملت ایران چه کسی میگفت؟ امروز همه دارند می‌گویند. ما با بمب اتم پیش نرفتیم. پیروزی در صحنه‌های عظیم و تاریخی و ماندگار که با این سلاحها حاصل نمیشود. امروز رژیم صهیونیستی مگر بمب هسته‌یی ندارد؟ آن طور که نقل میکنند، دویست یا شاید سیصد کلاهک هسته‌یی الان در داخل انبارهای رژیم صهیونیستی هست؛ اما رژیم صهیونیستی الان چند سال است که در برابر طرف مقابلش که تفنگ هم ندارد و فقط سنگ دارد؛ البته سنگ همراه با اراده و سنگ با پشتوانه‌ی ایمان، عاجز مانده است. مسأله‌ی ما مسأله‌ی بمب هسته‌یی نیست؛ ما بمب هسته‌یی را می‌خواهیم چه کار کنیم. وانگهی وقتی از بمب هسته‌یی استفاده میکنند، فقط آنهایی که دشمن هستند کشته میشوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته میشوند و این بر خلاف عقیده‌ی ماست؛ بر خلاف ممشی و روش ماست. بمب هسته‌یی که بر و فاجر را می‌برد؛ خوب و بد را از بین می‌برد؛ تر و خشک را با هم می‌سوزاند، کار نظام اسلامی نیست. و اما مسأله‌ی فناوری هسته‌یی و آن مقداری که ما دنبالش هستیم، مقوله‌ی دیگری است. این‌جا فقط اشتراکی که دارند، در ماده‌ی اورانیوم است. آن، اورانیوم نود درصد و صنعت

پیچیده‌ی سلاح‌سازی را احتیاج دارد، و این، اورانیوم بین سه و چهار درصد برای سوخت نیروگاه اتمی، که امروز ما در بوشهر داریم. اورانیوم غنی‌شده‌ی سه تا چهار درصد کجا و بالای نود درصد کجا! این چیزی است که طبق مقررات بین‌المللی برای همه آزاد است و هیچ اشکالی ندارد؛ همه‌ی کشورها اگر به اورانیوم نیاز داشته باشند - یا نیاز هم نداشته باشند - میتوانند آن را تا سه، چهار درصد تولید کنند. معاهده‌ی بین‌المللی NPT هم وجود دارد که همه قبول کرده‌اند، ما هم قبول کردیم و از لحاظ مقررات جهانی هم هیچ اشکالی ندارد. اگر ما این فناوری را نداشته باشیم، معنایش این است که فردا که راکتور هسته‌یی بوشهر ساخته شد، ما برای سوختش باید برویم در خانه‌ی این کشور و آن کشور را بزنیم و بگوییم به ما سوخت بدهید. اگر یک روز به هر دلیلی - به دلیل سیاسی، مسائل بین‌المللی و یا روابط دوجانبه - نخواستند به ما سوخت بدهند، یعنی این که ما دیگر نیروگاه نداریم؛ آنها این را میخواهند. آنها میخواهند شما بخاری را داشته باشید، نفت بخاری دست آنها باشد. یعنی وابستگی را با ایجاد راکتور هسته‌یی بیشتر کنند، نه کمتر.

.....